



گزارشی از سیاست‌های غیر اصولی که شرایط اقتصاد دیجیتال را نسبت به استانداردهای منطقه با اما اگر همراه کرده است

عقب‌نشینی از فناوری؟

دارد و تصاویر و ویدئو را سرج نمی‌کند.

موتور جست‌وجوی یوز هم که طراحی آن از سال ۱۳۸۸ از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران آغاز و در بهمن سال ۱۳۹۳ افتتاح شد، از دسترس خارج شده است. پارسی‌جو درحال حاضر با دامنه parsijoo.ir در دسترس است که البته مشکلات و ایرادهای فراوانی دارد. در سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ بحث ایمیل ملی در ایران داغ شد. در سال ۱۳۹۰ همهٔ ایمیل‌های رایگان بین‌المللی ازجمله جی‌میل و یاهو در ایران مختل شدند و مسئولان وزارت ارتباطات وقت درباره علت اختلال سرویس ایمیل در ایران پاسخ روشنی نداد. همان موقع هم بحث راه‌اندازی ایمیل‌های ملی ایران دات آی‌آر، وطن‌میل، چپارمیل و… داغ بود.

همان زمان سعید مهدیون، مدیرعامل وقت سازمان فناوری اطلاعات، به مهر گفته بود که به‌زودی استفاده از ایمیل ملی اجباری می‌شود و علی‌اصغر انصاری، معاون وقت سازمان فناوری اطلاعات گفته بود در آینده نزدیک برای استفاده از خدمات دولت الکترونیک استفاده از ایمیل ایرانی برای دستگاه‌های خدمات‌دهنده و نیز خدمات‌گیرندگان الزامی و برای تمامی مردم داشتن یک آدرس ایمیل بومی ضروری خواهد بود.

ایمیل ملی اما خیلی زود به در بسته خورد و اشکالات فنی فراوان باعث شد بسیاری از توسعه‌دهندگان ایمیل‌های ملی ضرر کرده و بی‌سرصدا ایمیل‌های خود را تعطیل کنند. در سال ۱۳۹۶ دولت حسن روحانی به بهانه در دسترس نبودن سرور تلگرام و اینستاگرام در داخل ایران، این بار پیام‌رسان‌های خارجی را به چالش کشید و حالا نوبت آن بود که نسخه‌های داخلی پیام‌رسان‌ها، کپی ناموفقی خود را از آرزمون و خطا کنند. پیام‌رسان‌های سروش، آپ‌جی، بله، اپتا و… پیام‌رسان‌هایی بودند که به میدان آمدند و سرمایه‌گذار اغلب آنها صدوسیما و بانک‌ها بودند. دراین‌میان دولت تسهیلات کلانی برای توسعه پیام‌رسان‌های داخلی پرداخت کرد. کوچ بسیاری از شرکت‌ها و ادارات دولتی و مسئولان از تلگرام در مقاطعی الزامی شد و بسیاری از نهادهای و مقامات دولتی حساب‌های خود را در تلگرام غیرفعال کردند. با این حال این پروژه هم به در بسته خورد و نمتنها اقبال عمومی از این پیام‌رسان رویگردان شد بلکه حتی مسئولان دولتی و مقامات هم دوباره بی‌سروصدا به پلتفرم‌های جهانی برگشتند.

دسترس‌ی‌گران قیمت ایرانیان به تکنولوژی
این قسه برعصه اقتصاد دیجیتال در ایران تنها به نرم‌افزار محدود نمی‌شود و بازار سخت‌افزار را هم گرفتار کرده است.

سال‌ها پیش دولت حسن روحانی به بهانه تولید مانیتور توسط یک شرکت داخلی تعریفه واردات لپ‌تاپ در ایران افزایش داد و دسترسی عموم به محصولات بازار جهانی را بسیار گران کرد.

در سال ۱۳۹۳ تعریفه واردات لپ‌تاپ از ۴ به ۱۰ درصد رسید. افزایش بیشتر از دو برابری تعریفه واردات لپ‌تاپ در حالی رخ داد که مهدی میرمهیدی، رئیس وقت اتحادیه صنف فناوران رایانه تهران، به روزنامه‌های اعلام گفته بود که این امر ناشی از ادعای یک شرکت ایرانی مبنی بر تولید لپ‌تاپ‌های MSI در ایران است!

او توضیح داده بود که در کارخانه این شرکت تنها ۲۰ پرسنل مشغول کار هستند و این شرکت حتی توان تولید یک پیچ ساده لپ‌تاپ را ندارد اما نام خود را تولیدکننده گذاشته و با مونتاژ قطعات واردشده به‌صورت CKD، ادعای تولید لپ‌تاپ را در کشور دارد و این شرکت حتی حاضر نیست نام ایران را روی لپ‌تاپ‌های تولیدی خود بگذارد و لپ‌تاپ‌ها با اسم کشورهای مالزی و چین به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

افزایش قیمت لپ‌تاپ دسترسی بسیاری از شهروندان ایرانی را به این کالا گران کرد و آن برهه زمانی خیرساز شد.

حالا بر اساس آخرین آماری که مرکز آمار ایران منتشر کرده است، در سال ۱۳۹۶ تنها حدود ۱۷میلیون و ۲۱۶ هزار خانوار ایرانی در محل سکونت خود حداقل به یکی از انواع رایانه، لپ‌تاپ یا تبلت دسترسی داشته است.

کل خانوارهای کشور در این سال حدود ۲۴میلیون و ۶۸۴ هزار خانوار برآورد شده است. به‌این‌ترتیب باید گفت حدود هفت‌میلیون و ۲۶۸ هزار خانوار در محل سکونت خود هیچ‌گونه دسترسی به یکی از انواع رایانه، لپ‌تاپ و تبلت ندارد.

اگر هر خانوار را ۳٫۳ نفر در نظر بگیریم، باید گفت که بیشتر از ۲۴٫۵ میلیون ایرانی در خانه خود به هیچ‌یک از انواع رایانه دسترسی ندارند.

همچنین بر اساس همین آمار فقط حدود ۳۵میلیون و ۳۷ هزار ایرانی شش‌سال به بالا کاربرد رایانه هستند و جمعیت شش‌سال به بالای کشور حدود ۷۲میلیون و ۳۱۸ هزار نفر است. بنابراین باید گفت حدود نیمی از جمعیت شش‌سال به بالای ایران کاربر رایانه نیستند.

تولید موبایل داخلی

این ماجرا حالا در بازار موبایل دنبال می‌شود؛ آن‌هم در شرایطی که حدود سه‌میلیون و ۳۵۶ هزار ایرانی در خانه خود هیچ‌گونه دسترسی به موبایل ندارند. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶ حدود ۲۳میلیون و ۶۶۷ هزار خانوار در محل سکونت خود به تلفن همراه دسترسی داشته‌اند و در واقع حدود یک‌میلیون و ۱۷ هزار خانوار در خانه‌شان تلفن همراه ندارند. با این حساب حدود یک‌میلیون و ۱۷ هزار خانوار ایرانی در محل سکونت خود به تلفن همراه دسترسی ندارند. اگر هر خانوار را ۳٫۳ نفر در نظر بگیریم، بالغ بر سه‌میلیون و ۳۵۶ هزار نفر در خانه‌شان تلفن همراه ندارند.

این گزارش در ادامه توضیح می‌دهد که حدود ۱۷میلیون و ۹۶۰ هزار خانوار در محل سکونت خود به اینترنت ثابت دسترسی دارند و حدود شش‌میلیون و ۷۲۴ هزار خانوار در محل زندگی‌شان به اینترنت ثابت دسترسی ندارند.

این گزارش در شرایطی منتشر شده که در زمان شیوع کرونا و آنلاین‌شدن مدارس گزارش‌های متعددی منتشر شد که حدود ۳٫۵ میلیون دانش‌آموز موبایل ندارند.

اگر جمعیت ۱۴میلیونی دانش‌آموزان ایران را در نظر بگیریم، حدود یک‌چهارم یا ۲۵ درصد دانش‌آموزان ایرانی موبایل ندارند.

با این حال دولت این روزها بر طبل تولید موبایل داخلی می‌کوبد؛ پروژه‌ای که در دولت روحانی شکست خورد و این روزها بار دیگر روی میز قرار گرفته است.

در تیر سال ۱۳۹۸ محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم، با انتشار یک ویدئو در توئیتر خود رسماً از پروژه اندروید ایرانی رونمایی کرد. جهرمی با مثالی از قبالی محل خود، به صورت تمثیلی به تحریم علیه ایران اشاره کرده و گفته بود که «سال‌ها قبل تنها قبالی محله او بی‌دلیل لجش می‌گرفت و همسایه‌ها را در لیست سیاه فروش می‌گذاشت و وقتی همسایه دیگری هم مغازه زد، لیست سیاه بره».

در آن زمان برخی از معدود تولیدکنندگان موبایل داخلی ازجمله مدیرعامل یک شرکت تولیدکننده مدعی بودند که اندروید ایرانی از سرویس‌های گوگل بی‌نیاز شده و دسترسی سرویس‌های گوگل را به شکل کامل قطع کرده است. او در پاسخ به این سؤال که چه چیزی جایگزین سرویس‌های گوگل شده، به وب‌سایت خبری دیجیاتو گفته بود: «سرویس جایگزینی را تهیه کرده‌اند که بتوانند خدمات Google Play Services را انجام دهد».

در آن زمان یکبار ۱۰ تولیدکننده موبایل وارد گود شدند و انجمنی با عنوان تولیدکنندگان موبایل ایجاد شد؛ اما در نهایت پروژه اندروید ایرانی، بومی یا حتی نسخه AOSP سال‌ها مسکوت ماند.

پس از این ماجرا دوباره وزارت ارتباطات دولت سیزدهم در آذر سال گذشته فراخوانی منتشر کرد و از تولیدکنندگان داخلی سیستم‌عامل موبایل دعوت به همکاری کرد. همچنین وزارت ارتباطات در خرداد آامه اعلام کرد که برای تولید یک میلیون گوشی هوشمند داخلی هدف‌گذاری کرده و بناست به تولیدکنندگان موبایل ۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات اشتغال‌زایی بدهد.

وزارت ارتباطات اعلام کرده است که گوشی‌های ایرانی فعلا از سیستم‌عامل اندروید استفاده می‌کنند؛ اما عیسی زارع‌پور، وزیر ارتباطات دولت سیزدهم، تاکید کرده است که برای سیستم‌عامل بومی برنامه‌هایی دارند.

تولید موبایل در ایران در شرایطی اتفاق می‌افتد که مسعود شکرانی، عضو هیئت‌مدیره سازمان نظام صنفی رایانه کشور، به «شرق» می‌گوید که تولید موبایل به دلیل فناوری بالا و سرعت ارتقای تکنولوژی از سوی تعداد محدودی از کشورهای جهان انجام می‌شود که بازار جهانی را در اختیار دارند و در سایر کشورها صرفاً مونتاژ کالاهای‌های‌تک مانند موبایل هوشمند انجام می‌شود؛ بنابراین تولید موبایل در ایران توجیه اقتصادی ندارد؛ مگر آنکه گوشی‌هایی با فناوری پایین تولید شود که مشتریان ثابت و محدودی دارد.

او تأکید می‌کند که تولید کالای فناوری در ایران بر مبنای توجیه اقتصادی انجام نمی‌شود و همین مسئله ضمن ایجاد محدودیت برای واردات، مانع دسترسی مردم کشور به تکنولوژی روز و با قیمت پایین می‌شود.

وضعیت و خیم بازار آی‌تی

مشکلات بازار سخت‌افزار به همین‌جا محدود نمی‌شود و گرفتاری‌های عیدیه برای واردات این دسته از کالاها وجود دارد.

شکرانی، رئیس کمیسیون تأمین چالش‌های تأمین تجهیزات آی‌تی، به فرایند زمان‌بر واردات تجهیزات اشاره می‌کند و می‌گوید: «فرایند ثبت سفارش و اخذ مجوزها نزدیک به دو ماه زمان می‌برد و در ادامه به صورت حداقلی ۳۰ تا ۱۲۰ روز فرایند تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی زمان می‌برد. این در حالی است که فرایند تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی ۱۵روزه است. تخصیص ارز در حالی آن‌قدر زمان می‌برد که ما نیاز به دریافت کل وجه در وهله اول کار نداریم و تنها در صورتی که تا ۲۰ تا ۳۰ درصد وجه را دریافت کنیم، کار ما راه خواهد افتاد و معطل ثبت سفارش خواهیم شد».

شکرانی در ادامه با اشاره به اینکه صد‌ها میلیارد تومان تجهیزات سخت‌افزاری در گمرک مانده، اما هنوز ثبت سفارش نشده و به آن ارز تخصیص داده نشده است، گفت: «کالی آی‌تی در وضعیتی متفاوت در مقایسه با کالاهای وارداتی قرار دارد. می‌توان گفت که مکاتبات ما به صورت تمام و کمال به دلیل تحریم‌ها با هیئت‌غیرواقعی انجام می‌شود و در صورتی‌که با مشکل قانونی مواجه شویم، قادر به پیگیری آن نخواهیم بود. در شرایط تحریم وقتی دولت مناقصه برگزار می‌کند و شرکت‌های مختلف درخواست تأمین تجهیزات یکسان را از نقاط مختلف می‌دهند، مشخص می‌شود که این سفارش مربوط به یک کشور تحریمی است».

رئیس کمیسیون تأمین چالش‌های تأمین تجهیزات آی‌تی، در ادامه با اشاره به این موضوع که واردکردن شماره سیرال برای کالاهای آی‌تی در کار واردات مشکل ایجاد می‌کند، گفت: «اگر این شماره لو برود و مشخص شود که تجهیزات در یک کشور تحریمی مورد استفاده قرار گرفته، کل خط دوردن تحریم لو می‌رود و خواستار اصلی ما این است که دولت متوجه باشد وضعیت کالی آی‌تی با هر چیز دیگری متفاوت است».

بزرگنمایی‌های گوبلزی در بخش کشاورزی

وی ادامه داد: هرچه جلو

می‌رویم منابع ما محدود

می‌شود، نباید به توان اگولوژیک خود فشار بیاوریم اما کنار

آن تولید باید افزایش یابد. وی خاطرنشان کرد: اگر ما به معنی واقعی کلمه تولید کندم را دانش‌بنیان کنیم، بدون شک از صادراتکنندگان کندم نیز خواهیم بود. در حال حاضر ۱۴۲ میلیون تن غذا نیاز داریم که ۱۲۵ میلیون تن آن را در کشور تولید می‌کنیم. طرف چند سال حداقل در محصولات راهبردی ما بیش از ۹۰ درصد قابلیت خودکفایی داریم. آقای نکویی بلافاصله در فرایز دیگر گفتند که ظرف چهار سال آینده علاوه بر تأمین نیاز داخلی، نیاز برخی از کشورهای دوست و همراه را در مقاطعی که نیاز به غذا دارند، تأمین می‌کنیم. اندکی تعمق در سخنان فوق از معاونت تحقیقاتی، پرسش‌هایی را در مخاطبان ایجاد می‌کند. با عنایت به واردات ۴۵ درصد مواد غذایی مورد نیاز، باید در برآورد ۱۴۲ میلیون تن غذای مورد نیاز

بازتاب

توضیح وزارت اقتصاد به «شرق» درباره وضعیت بورس

مرکز روابطعمومی و اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی در پاسخ به مطلب ۲۹ مرداد روزنامه شرق با عنوان «طلسم فرسایشی بورس»، توضیح داد: در محاسبه ارزش بازار سرمایه با نرخ دلاری، لازم به یادآوری است که بورس بیشترین ارزش دلاری خود را در همان سه ماه ابتدایی پس از سقوط تاریخی تجربه کرد، به‌طوری‌که در آن زمان روزانه حدوداً ۲٫۵ میلیارد دلار از ارزش بورس کاسته می‌شد اما این رقم در ریزش اردیبهشت‌ماه بازار سرمایه با ۶۱ دلار ۴۹ هزار تومانی، افت روزانه ۸۹۵ هزار دلار از ارزش بازار سرمایه است. اما ذکر این نکته در زمینه بی‌اعتمادی مردم به بورس ضروری است که سقوط تاریخی بورس در ۱۹ مردادماه سال ۱۳۹۹ با وعده‌های فریبنده دولت وقت برای ورود مردم به بازار سرمایه، چنان بی‌اعتمادی در جامعه و عموم مردم وارد کرد که حتی سیاست‌های مختلف دولت قبل و دولت سیزدهم برای بازگشت اعتماد مردم به بورس نتوانسته به‌طور کامل کارساز باشد.

در همان زمان سقوط تاریخی بورس، شائبه فساد در ارکان مختلف بازار سرمایه مطرح شد و دولت سیزدهم با وجود اتخاذ سیاست‌های بسیار زیاد تشویقی برای سهامداران، هنوز نتوانسته به‌طور کامل لابی‌اعتمادی را از بین ببرد؛ هرچند اقدامات دولت سیزدهم در پویایی بازار سرمایه تا حدودی توانسته است که مردم را بار دیگر به حضور در این بازار تشویق کند. به‌طور مثال، اگرچه بازار سهام در هفته‌های اخیر تحت تأثیر برخی اخبار و رویدادها نوساناتی داشت و اعمال تغییرات در نرخ انرژی و خوراک شرکت‌های پالایشی، پتروشیمی‌ها و صنایع فلزاتی و سیمانی در کنار رکود قیمت‌های جهانی محصولات که قیمت‌های محصولات محصولاتی تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باعث شد تا بازار با نااطمینانی بالایی روبه‌رو شود اما دولت با ریشنهایی بسیاری از این نااطمینانی‌ها تلاش کرده است تا مسائل بازار سرمایه به‌صورت ریشه‌ای حل شود.

درعین‌حال دولت قائل به حمایت از بازار سرمایه تا قرارگرفتن در مسیر اصلی است؛ ازجمله اقدامات انجام‌شده در این زمینه، مذاکرات صورت‌گرفته با صندوق توسعه ملی برای واریز منابع به صندوق تثبیت بازار سرمایه بود که در این راستا شاهد حمایت‌هایی از سوی صندوق توسعه ملی جهت تجهیز منابع صندوق تثبیت بازار سرمایه بوده‌ایم.

همچنین ایجاد نهضت ملی تأمین مالی و اجرای پروژه‌های ملی از دیگر رویکردهای جدی دولت است که از این مسیر نیز ارتقای جایگاه بازار سرمایه از سوی دولت دنبال می‌شود. این موضوع علاوه بر آنکه در برنامه هفتم توسعه دنبال می‌شود در کوتاهمدت نیز از سوی دولت پیگیری شده است.

بر همین اساس در سه‌ماهه نخست امسال سه اقدام مهم «عرضه اولیه»، «انتشار اوراق شرکتی» و «افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی» برای تحقق این هدف انجام شده تا تأمین مالی تولید از بازار سرمایه به‌صورت یکپا از مطمئن‌ترین روش‌های تأمین مالی محقق شود. دولت در برنامه هفتم هم به دنبال ارتقای جایگاه بازار سرمایه برای تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد است.

ادامه از صفحه اول

تغییر مفهوم «قدرت»

اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و طرح «سهام عدالت» در مدت بیش از دو دهه ضربات هولناکی به ساختار اقتصادی و نظام بنگاهداری کشور وارد کردند. چنان‌که اجرای «سهام عدالت» در مدت بیش از دو دهه، کل اقتصاد کشور را متأثر و ساختار مالکیتی و مدیریتی بزرگ‌تراستراتژی صنعتی و اقتصادی کشور را دگرگون کرد. (۴۹) بنگاه‌های خصوصی دولتی (۳۶) شرکت بورسی و ۱۳

شرکت غیربورسی) در حوزه‌های فولاد، مس، سیمان، پتروشیمی و پالایش، بانک و مخابرات (و…) و آسیب‌های جدی به تداوم حیات این بنگاه‌ها وارد کرد (ازجمله تضعیف ارتباطات آنها با حلقه‌های پیشین و پسین، دوگانگی در نگاه‌های وگذارنده؛ مالکیت مردم/ مدیریت دولت، تضعیف امکان نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های بنگاه‌ها و…)، اما جالب است که سیاست‌گذاران اقتصاد دولتی و طرفداران اقتصاد خصولتی با آن کارنامه درخشان! مدتی است در فکر فتح بنگاه‌های خصوصی دیگریند تا آن ته‌مانده و کورسوی حیات بنگاهداری خصوصی را نیز خاموش کنند. از یک سو تفکیک وزارت صمت و ایجاد وزارت بازرگانی که جز به «سُرکوب تصنعی قیمت‌ها و تشدید واردات و…» نمی‌انجامد اجلسه هیئت‌نمایندگان اتاق ایران. (۵/۲۹) در دستور کار دارند و از سوی دیگر گفتارهایی در مصادره پلتفرم‌های مجازی که منجر به ناامنی فضای کار و سرمایه‌گذاری می‌شود، بیان می‌کنند. آن‌چنان‌که رئیس اتاق ایران در نشست هیئت‌نمایندگان این نهاد این چنین درباره آن هشدار می‌دهد: «تهدید به مصادره اموال و دولتی‌کردن سرمایه‌های فعالان اقتصادی خود می‌گوشد در مقام معظم رهبری و مسئولان‌های مجریه و قوه قضائیه بارها بر امنیت سرمایه‌گذاری و ضرورت بهبود معیشت مردم تأکید کرده‌اند، به‌هیچ‌وجه به نفع کشور نیست. از رؤسای سه قوه تقاضا می‌کنم با اصلاح این فضای ایجادشده به سرمایه‌گذاران اطمینان دوباره بدهند» (همان).

اگر امروز شرکت دولتی آرامکو به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکت جهان خودنمایی می‌کند، به سبب آن است که این کشور در چارچوب یک راهبرد کلان (برنامه ۲۰۳۰) اقتصاد را محور حرکت توسعه خود قرار داده و با ایجاد فضای آزاد و رقابتی و بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش مداخلات غیرضرور دولت و قیمت‌گذاری دستوری و… می‌کوشد از وابستگی به نفت رها شود و اقتصادی متنوع و هماهنگ با انقلاب چهارم صنعتی ایجاد نماید باشد. این کشور در دیپلماسی اقتصادی خود می‌کوشد در چارچوب موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و نیز بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود به زنجیره‌های جهانی ارزش وصل شود و محیط را برای جذب سرمایه و توسعه تجارت فراهم آورد. راه و رفتاری که در کنار ارتقای حقوق شهروندان و دموکراتیزه‌کردن عرصه سیاست (دو عنصر غایب در برنامه ۲۰۳۰ محمد بن‌سلمان که ضرورت قدرتمندشدن جامعه را در نظر نمی‌گیرد و پاشنه‌های آشیل این برنامه است) می‌تواند به سلامت و بزرگ‌شدن اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی و رفاه مردم و ظهور قدرت ملی منتهی شود. چنان‌که به قول رئیس سابق مجلس «آیا قدرت را زور بازو می‌دانیم؟ امروز این تعریف نیست. تعریف قدرت امروز بر مدار فناوری و فکر و دانی و اقتصاد می‌چرخد. اگر کشوری به اینها مسلط بود، قدرت دارد و در لایه‌های دیگرش امور دیگر هم هست» (رسانه‌ها، ۵/۲۸).

وقتی یکی از شخصیت‌های برجسته حقوقی کشور با یکی از

مسئولان درباره پرونده دکتر قره‌حسنلو گفت‌وگو کرد، او در نفی چنین شخصیتی گفته بود دکتر قره‌حسنلو یک برانداز سیاسی است و در درگیری‌های درویش و حوادث گلستان هفتم نقش داشته و به آتکای همین اطلاعات، حکم او را تأیید کردند؛ درحالی‌که نه در پرونده ایدآ چنین اتهامی مطرح بوده و نه اساساً چنین چیزی واقعیت دارد. اصل مسئله این بوده که دو نفر از پزشکان در ارتباط با وقایع گلستان بازداشت شده بودند و تعداد زیادی از پزشکان کشور در اقدامی صنفی و حرفه‌ای و بدون ورود به جنبه‌های سیاسی موضوع، در طوماری خواستار آزادی همکاران خود شدند. دکتر حمید قره‌حسنلو هم یکی از پزشکان امضакنده بود. با توجه به اینکه مصادیق فراوانی را سریع داریم که در همین قوه قضائیه افراد زیادی به مجازات‌های سنگین و حتی اعدام محکوم شده، ولی در

ادامه از صفحه اول